

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• سرپرست مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی
• سردبیر: حسام‌الدین برومند

• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ • امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



در خدمت خلق بی‌ریا باید بود
لبریز محبت و صفا باید بود
راضی به رضای دوست می‌باید شد
مانند تو خادم‌الرضا باید بود

محمد رضا ترکی

همصدایی اهالی فرهنگ و هنر در غم شهادت رئیس جمهور مردمی و محبوب

جز همدلی نباشد مان مرهمی دگر

بوده‌اند و فارغ از اقتدار و ذکاوت دیپلماتیک، هنردوستی او را استوده‌اند. علاوه بر واکنش‌های فردی، جمعی از سینماگران و هنرمندان از جمله بهروز افخمی، رضا میرکریمی، محمود رضوی، محمد رضا وزیری و... در بیانیه‌های جمعی نسبت به شهادت رئیس جمهور محبوب و مردمی ایران همدردی کرده‌اند. آنچه می‌خوانید برشی از واکنش اهالی فرهنگ و هنر در رسانه‌های رسمی و فضای مجازی است.

فرهنگی / غم شهادت رئیس جمهور همه اهالی فرهنگ و هنر را زیر یک پرچم آورده است. به تعبیر رضا میرکریمی، فارغ از سلیق مختلف، به عنوان یک ایرانی اینکه تعدادی از مسئولان تراز اول کشور در مسیر انجام وظیفه به این شکل جان خودشان را از دست بدهند، دلخراش است و آن طور که ابراهیم حاتمی کیا می‌گوید با این اتفاق، یکی از تلخ‌ترین حوادث تاریخ این سرزمین را دیدیم. این غم مشترک، به نوعی همه را قوم و خویش کرده است. خیل گسترده‌ای از اهالی فرهنگ و هنر خاصه آنهایی که ارتباط مستقیم و حتی یک دیدار نزدیک با ابراهیم رئیس‌جمهور داشتند در چند ساعت گذشته بغضی جمعی‌شان را در واژه‌ها سرشار کرده‌اند. تأکید بر اخلاص، فروتنی و صمیمیت به عنوان شاخصه‌های فردی و اخلاقی شهید ابراهیم رئیس‌جمهور در کنار دغدغه ایشان به عنوان رئیس جمهور در پیگیری مشکلات و مسائل حوزه فرهنگ نکته مشترک دلنوشته‌های اهالی فرهنگ است؛ تا آنجا که داوود میرباقری، از تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگ، در حرکتی رو به جلوی کاروان سلمان فارسی و حسرت جای خالی او بین بینندگان این سریال می‌نویسد. فعالان این عرصه همچون امیر عبداللّه، وزیر امور خارجه هم

تأثیر مساعدت‌های رئیس‌جمهور در حرکت کاروان سلمان فارسی

داوود میرباقری: خبر درگذشت شهادت‌گونه رئیس‌جمهور و همراهان عزیز او تأثیر عمیقی در قلوب یکایک همکارانم در پروژه سریال سلمان فارسی به وجود آورد، درحالی که امید داشتیم یکی از بینندگان آن باشد. نگاه فرهنگی دکتر رئیس‌جمهور و مساعدت‌های دولت ایشان، تأثیر زیادی در حرکت رو به جلوی کاروان سلمان فارسی داشت. از خداوند بزرگ همنشینی این سید بزرگوار با حضرت سلمان را مسألت کرده و به نمایندگی از پروژه، این فقدان را تسلیت و تعزیت می‌گوییم.

دل‌مان لرزید و نیت زده شدیم

ابراهیم حاتمی کیا: با انتشار خبر شهادت دکتر رئیس‌جمهور و هیأت همراه دل‌مان لرزید و نیت زده شدیم. امروز یکی از تلخ‌ترین حوادث تاریخ این سرزمین را دیدیم. امید است این مقطع حساس با آرامش و اتحاد در راستای منافع و مصلحت ایران عزیز به دور از اختلاف‌های سیاسی و جناحی سیری شود. خداوند در سالروز ولادت امام رضا(ع) خادمش را با امام هشتم محشور کند.

متین در ظاهر و جنگنده در باطن

داریوش ارجمند: شهادت مزد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دکتر سعید ابراهیم رئیس‌جمهور در طول مسئولیت‌های او بود. آرام و متین در ظاهر، ولی پرخروش و جنگنده در باطن برای خدمت به مردم ایران بود و خستگی را نمی‌شناخت. او می‌توانست در پایتخت باشد و وقایع و اتفاقات کشور را از پشت میز رصه کند، بدون آنکه خطر را به جان بخرد، ولی رئیس‌جمهور مرد عمل بود. او و همراهانش با کوله‌باری از افتخار خدمت به مردم ایران به سوی معبود پر کشیدند.

تسلیم تقدیر الهی

رضا میرکریمی: من هم مثل بسیاری از مردم شب را نخوابیدم و پیگیر اخبار بودم و امیدوار بودم که این سانحه هولناک با خبری خوش به انتها برسد. ولی تقدیر الهی چیز دیگری بود و باید تسلیم بود. در این روز که متعلق به امام خاص ایرانیان، امام رضا(ع) است، خوب است همه کسانی که دل در گرو این سرزمین داریم با هم برای سربلندی ایران عزیز تلاش و دعا کنیم.

در «شهادت» حقیقت است، نه تریس و یاس!

هادی مقدم دوست: زندگی احترام ویژه دارد، اما فریب و حب دنیا حتی مجال زندگی را هم می‌گیرد. آنکه نگاهش واقع بین باشد مرگ را نه تنها از قلم نمی‌اندازد که به آن نگاه ویژه «پیدا» می‌کند، یعنی چیزی را که هستت پیدا می‌کند، بالاترین نگاه ویژه به مرگ جز «شهادت» نیست که در آن نه تردید است، نه خوف و

فراموششان نمی‌کنیم

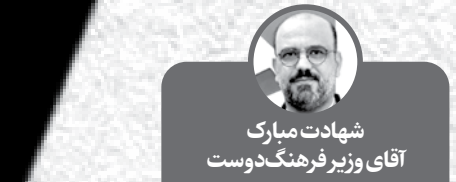
اصغر سمسارزاده: به تمام ملت شریف ایران تسلیت می‌گوییم؛ این تسلیت را باید گفت چرا که دکتر رئیس‌جمهور چند سال زحمت کشیدند و دوران سختی را پشت سر گذاشتند، دورانی که برای هر رئیس‌جمهوری می‌توانست مهلک و کشنده باشد. ایشان تلاش خودشان را کردند؛ ما نمی‌توانیم گزاهایی را که کردند فراموش کنیم.

شهنوای حرف‌های ما بود

حزن و یاس، یعنی مرگ در راه حق و حقیقت. این شکل از دنیا رفتن فرق دارد با «فردن». شهید تا لحظه آخر نه برای خودش و منیت‌هایش و دنیا بلکه در راه حق به خلق و خلاق خدمت می‌کند.

در خدمت مردم

امیردژاکام: یک روز هنرمندان با ایشان گفت‌وگویی داشتند و مرا هم دعوت کردند. من از قبیل گفته بودم که حرف‌های من تند است، ابایی ندارم و نقدهایم را مطرح می‌کنم. همچنان به من گفتند بیبا و حرف‌هایم را بزن. آن روز من مسأله تجاری‌سازی هنر را مطرح کردم و از قضا خیلی هم تند بیان کردم. ایشان گوش کرد و در آخر سمت من آمدند و گفتند: شما در ابتدای سخنان خود گفتید که چهار نکته را مطرح می‌کنید در صورتی که سه نکته را گفتید. نکته آخر را چرا مطرح نکردید؟ من هم گفتم: به من وقت ندادند و ایشان گفت: همین حالا بگویید. ایشان این مسأله را پیگیری کرد



شهادت مبارک آقای وزیر فرهنگ دوست

امین اشرفی: آقای وزیر متین، آقای وزیر فرهنگ‌دوست، آقای بلندبالای شیک پوش، آقای امیر عبداللّه‌پیان شهادت‌تان مبارک. عجب که امروز به نسبت آن روز خاص این بالابندی و بلندمندی بیشتر به نظرمان می‌آید و عیان‌تر می‌شود که چقدر جامعه شهادت‌برانگیز است. چقدر شمایل کاملی دارید در این تن‌پوش افتخار که به نیت و عمل می‌دهند. به قرب و خدمت... از شامگاه یکشنبه، درست از همان لحظات التهاب ما که دیگر لحظات آرامش شما بود به عنایت و شفاعت ضامن آهو، مدام خاطره‌های در جلوی دیدگانم زده می‌رود. خاطره آن شب که با حضور شما برای ما به یادماندی شد. همان شبی که حس متفاوتی از حضور یک میهمان ویژه به نسبت تمامی میهمانان خاص هر شبی داشتیم. آقای وزیر امور خارجه به دعوت دوستی میهمان ویژه ملاقات با «کلث» شده بود و ما همه متعجب که مگر وزیری با این سمت دغدغه و فرصت تماشای نمایشی را هم دارد؟ آن هم به همراهی همسر محترم‌شان؟ چه دردناک است ادامه مرور خاطره آن شب وقتی به لحظه ورودتان به سالن و تصویر لبخند شما و آن بانوی مهربان می‌رسم. چه دردناک‌تر می‌نماید صوری شما و منتظر ایستادن‌تان زمانی که ما به تعجیل دنبال جای مناسب‌تری برای‌تان بودیم. چه این داغ سنگین‌تر می‌شود زمانی که هیجان شما در تقدیر و تشکر از تک تک عوامل نمایش را به یاد می‌آورم که گفتید شما امشب غرور یک قهرمان ملی را در دل من زنده کردید و همین است که نمی‌دانم چگونه از شما تشکر کنم. افسوس از امروز... افسوس از امروز من، افسوس از امروز ما به مرور این خاطرات شیرین دیروز.

کار برای رفاه هنرمندان

رضا رویگری: در دوره‌ای که ایشان رئیس‌جمهور بودند، بیش از همیشه احساس کردم که برای رفاه هنرمندان کار می‌کنند.

به احترام رئیس‌جمهور

هادی مرزبان: شهادت رئیس‌جمهور را به اصحاب فرهنگ و هنر تسلیت می‌گویم. به احترام رئیس‌جمهور و شهدای این حادثه، تمرین‌ها را کنسل کردم.

مخلص، هدفمند و خستگی‌ناپذیر

سعید ابوطالب: شهید دکتر رئیس‌جمهور سسه مشخصه بارز و مثبت داشتند: مخلص بودند، هدفمند بودند، پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند. روح نورانی‌اش با شهدا و امام عزیز محشور باشد ان‌شاءالله.

پایانی ترازیک و غرورانگیز

بابک خواجه‌پاشا: شهادت در راه ملت و مردم ایران یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که می‌تواند نصیب یک خدمتگزار شود و خیلی خوشحالم که این مقام، نصیب این عزیزان شد. چنین رابطه‌ای به‌سادگی دست‌یافتنی نیست. آنها همواره در کنار مردم و بی‌غش و سواد بودند. همین ساده بودن و با مردم بودن است که مسیر را پیش برده است و احساس می‌کنم پایانی ترازیک و غرورانگیز برای این عزیزان اتفاق افتاده است.

جایتان روی زمین خالی است، آدم حسابی‌های کاردرست!

حامد سلطانی: بقدر لفظ شهید برانزده است برای مردانی که سرشان به تشنان می‌آزد... برای مردانی که دلشان برای مردم می‌تپد... برای مردانی که استراحت را گذاشته‌اند بعد شهادت... امام رضا(ع) خوب بلد است چطور آبرو جمع کند برای خدامانش و خدامان خدامانش و ولادتش، سالروز شهادت شماست! کوراری وجودتان... جایتان روی زمین خالی است، آدم حسابی‌های کاردرست!

حزن و یاس، یعنی مرگ در راه حق و حقیقت

حزن و یاس، یعنی مرگ در راه حق و حقیقت. این شکل از دنیا رفتن فرق دارد با «فردن». شهید تا لحظه آخر نه برای خودش و منیت‌هایش و دنیا بلکه در راه حق به خلق و خلاق خدمت می‌کند.

شهنوای حرف‌های ما بود

حزن و یاس، یعنی مرگ در راه حق و حقیقت. این شکل از دنیا رفتن فرق دارد با «فردن». شهید تا لحظه آخر نه برای خودش و منیت‌هایش و دنیا بلکه در راه حق به خلق و خلاق خدمت می‌کند.

فراموششان نمی‌کنیم

اصغر سمسارزاده: به تمام ملت شریف ایران تسلیت می‌گوییم؛ این تسلیت را باید گفت چرا که دکتر رئیس‌جمهور چند سال زحمت کشیدند و دوران سختی را پشت سر گذاشتند، دورانی که برای هر رئیس‌جمهوری می‌توانست مهلک و کشنده باشد. ایشان تلاش خودشان را کردند؛ ما نمی‌توانیم گزاهایی را که کردند فراموش کنیم.

در «شهادت» حقیقت است، نه تریس و یاس!

اصغر سمسارزاده: به تمام ملت شریف ایران تسلیت می‌گوییم؛ این تسلیت را باید گفت چرا که دکتر رئیس‌جمهور چند سال زحمت کشیدند و دوران سختی را پشت سر گذاشتند، دورانی که برای هر رئیس‌جمهوری می‌توانست مهلک و کشنده باشد. ایشان تلاش خودشان را کردند؛ ما نمی‌توانیم گزاهایی را که کردند فراموش کنیم.

شهادت مبارک آقای وزیر فرهنگ دوست

امین اشرفی: آقای وزیر متین، آقای وزیر فرهنگ‌دوست، آقای بلندبالای شیک پوش، آقای امیر عبداللّه‌پیان شهادت‌تان مبارک. عجب که امروز به نسبت آن روز خاص این بالابندی و بلندمندی بیشتر به نظرمان می‌آید و عیان‌تر می‌شود که چقدر جامعه شهادت‌برانگیز است. چقدر شمایل کاملی دارید در این تن‌پوش افتخار که به نیت و عمل می‌دهند. به قرب و خدمت... از شامگاه یکشنبه، درست از همان لحظات التهاب ما که دیگر لحظات آرامش شما بود به عنایت و شفاعت ضامن آهو، مدام خاطره‌های در جلوی دیدگانم زده می‌رود. خاطره آن شب که با حضور شما برای ما به یادماندی شد. همان شبی که حس متفاوتی از حضور یک میهمان ویژه به نسبت تمامی میهمانان خاص هر شبی داشتیم. آقای وزیر امور خارجه به دعوت دوستی میهمان ویژه ملاقات با «کلث» شده بود و ما همه متعجب که مگر وزیری با این سمت دغدغه و فرصت تماشای نمایشی را هم دارد؟ آن هم به همراهی همسر محترم‌شان؟ چه دردناک است ادامه مرور خاطره آن شب وقتی به لحظه ورودتان به سالن و تصویر لبخند شما و آن بانوی مهربان می‌رسم. چه دردناک‌تر می‌نماید صوری شما و منتظر ایستادن‌تان زمانی که ما به تعجیل دنبال جای مناسب‌تری برای‌تان بودیم. چه این داغ سنگین‌تر می‌شود زمانی که هیجان شما در تقدیر و تشکر از تک تک عوامل نمایش را به یاد می‌آورم که گفتید شما امشب غرور یک قهرمان ملی را در دل من زنده کردید و همین است که نمی‌دانم چگونه از شما تشکر کنم. افسوس از امروز... افسوس از امروز من، افسوس از امروز ما به مرور این خاطرات شیرین دیروز.

رئیس‌جمهور مکتبی

علیرام نورایی: شهادت جانسوز رئیس‌جمهور مکتبی، جناب آقای دکتر رئیس‌جمهوری که هم‌راهمان گرامیشان را به مردم شریف ایران تسلیت عرض می‌کنم و برای بازماندگان از درگاه احدیت صبر و سلامت خواستارم.

اجر خدمت صادقانه‌ات بود

مسعود شجاعی طباطبایی: در روز ولادت امام رضا علیه‌السلام حکم ریاست جمهوری گرفتاری و در روز ولادت امام رضا علیه‌السلام حکم شهادت نصیب شد. شهادت هنرمندان خدایست و ما شاهد بودیم که لحظه‌ای از پرداختن به محرومیت دست نکشیدی و به باران شهادت پیوستی. شهادت اجر خدمت صادقانه‌ات بود. خادم‌الرضا شهادت مبارک.

متواضع و انقلابی

وزری: شهید دکتر رئیس‌جمهور، متواضع، ولایی و انقلابی بود.

شب نگرانی سحر نشد

علی محمد مؤذنب | شاعر
صبح آمد و شب نگرانی سحر نشد
یلدای دوری تو دریا به سر نشد
از هر کرانه تیر دعایی روانه بود
از این میانه آه یکی کارگر نشد
از ما چرا گرفت دلت مهربان‌ترین
بر ما دوباره ماه چرا جلوه‌گر نشد
در آتش فراق، دودین به دشت و کوه
دردا حریف تاب و تب این جگر
نشد
چون ابر کوه‌ها، همه شب را
گر بیستیم
باران حریف این تپش بی‌ثمر نشد
لبخند تو که دلخوشی ماست
از جهان
باشد برای روز قیامت اگر نشد
چون من نفس نداشت قلم در
غممت دریغ
می‌خواست تا که گریه کند بیشتر
نشد

این بغض ناگهان شعراست

سعید بیابانکی | شاعر
خیال می‌کنم این بغض ناگهان شعراست
همین یقین فروخته در گمان شعراست
همین که اشک مرا و تو را درآورده‌است
همین، همین دو سه تا که استخوان شعراست
همین که می‌رود از دست شهر، دست به دست
همین شقایق بی‌نام و بی‌نشان شعراست

زندگی مکتبی ست مابین دو تا سجده

محمد مهدی سیرا | شاعر
آری همین امروز و فردا بازمی‌گردیم
ما اهل آنجا، از اینجا بازمی‌گردیم
با پای خود سر درنیاوردیم از این اطراف
با پای خود یک‌روز اما بازمی‌گردیم
چون ابرها صحرا به صحرا برد ما را باد
چون رودها صحرا به صحرا بازمی‌گردیم
این زندگی مکتبی ست مابین دو تا سجده
این سفر الهی بگو، ما باز می‌گردیم
ما عاقبت «انا الیه راجعون» بر لب
از کوچه بن بست دنیا بازمی‌گردیم

ضامن خادم



سروده‌هایی در سوگ شهید جمهور

وقت رفتن نبود برادر من

چند روزی است که اهالی شعر نیز همچون دیگر مردم کشور، سوگوار شهادت رئیس‌جمهور فقیدمان، دکتر سعید ابراهیم رئیس‌جمهور هستند و هریک رسالت فرهنگی‌شان را بر سطرها و بیت‌های سروده‌های خود جای می‌دهند. در صفحه امروز فرهنگی برخی از این اشعار را می‌خوانید.

یکی برفت و هزاران دوباره برخیزد

تجیب بارور | شاعر افغانستانی
بمان برادر من، وقت، وقت رفتن نیست
بمان، شتاب مکن، وقت، وقت مردن نیست
هنوز جنگ من و جنگ ما تمام نشد
هنوز فرصت رخت بستن نیست
اگرچه قصه ما، قصه شهادت ماست
اگرچه مرگ در این راه گرد دامن نیست
مباد خاطر ما بشکند بدون شما
مباد گریه باریم، وقت شیون نیست!